

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

صفحات: ۲۳-۱

## واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای

مهديه حیدری

دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

ایران - عربستان، دو قدرتِ برخوردار از مؤلفه‌های متعدد قدرت همواره در تلاش برای تأثیرگذاری حداکثری بر معادلات منطقه‌ای و کسب بالاترین جایگاه قدرت در خاورمیانه بوده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که الزامات رقابت ایران و عربستان برای کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه چیست؟ پاسخ موقتی این است که کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای، مستلزم برخورداری و کاربرد دو بعد قدرت مادی و غیرمادی این دو، در سیاست خارجی و نیز نوع رفتارها و سیاست‌ها سایر دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تعامل با این دو بازیگر است. یافته‌های تحقیق با کاربست تئوری رئالیسم نئوکلاسیک، بیانگر آن است که وجود مقدرات ملی متفاوت، و نیز تکیه بر، یا تقابل با نظم موجود به صورت همزمان فرصت‌ها و چالش‌های متعارضی را برای این دو بازیگر در تحقق این هدف مهم به وجود آورده است به گونه‌ای که این تعارض، مانع از صدرنشینی یکی از این دو بر فراز معادلات قدرت منطقه گشته است. شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای که مشتمل بر استفاده از کتب و مقالات داخلی و خارجی معتبر است.

**واژگان کلیدی:** قدرت منطقه‌ای؛ خاورمیانه؛ واقع گرایی نئوکلاسیک؛ ایران؛ عربستان سعودی.

## مقدمه

منطقه خاورمیانه به دلیل دارا بودن اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی فراوان، و نیز وجود دولت‌های با ایدئولوژی‌های تقریباً متنوع و منابع ملی قدرت گوناگون، حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن، همواره شاهد افت و خیزهای دولت‌های بزرگ منطقه‌ای برای کسب جایگاه برتری و رهبری در این منطقه راهبردی بوده است. ایران و عربستان نیز دو قدرت بزرگ منطقه خاورمیانه، با دارا بودن مؤلفه‌های قدرت ملی گوناگون چه در ابعاد مادی و چه غیر مادی آن، هر یک در صدد ایفای هر چه بیشتر نقش یک قدرت هژمونیک در این عرصه بوده‌اند. برای مثال ایران قبل پیروزی انقلاب ایران برای مدتی قدرت هژمونیک منطقه بوده، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علیرغم داشتن مؤلفه‌های قدرت ملی بسیار چشمگیرتر از عربستان سعودی، به دلیل تنش در روابط با قدرت‌های بزرگ بین‌المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا، و برداشت تهدید دولت‌های منطقه از احتمال تسری انقلاب اسلامی به سرزمین‌هایشان، خیلی قادر به ایفای این نقش در منطقه نشده است. در حالیکه پس از مدیریت بحران سوریه و انعقاد برجام، امکان صدرنشینی آن در حال فراهم شدن بود؛ اما به دلیل سیاست‌های دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، خیلی قادر به کسب این هدف مهم نشد. در مقابل عربستان سعودی با دارا بودن روابط استراتژیک و سیاست همراهی با قدرت‌های بزرگ نظام بین‌المللی به ویژه آمریکا بیشتر از ایران قادر به تأثیرگذاری بر تحولات و معادلات منطقه‌ای بوده؛ ولیکن وجود سیاست‌های متناقض آن در منطقه، مانع از کسب جایگاه قدرت برتری آن بر منطقه خاورمیانه گردیده است؛ حمایت از گروه‌های سلفی وهابی در بحران سوریه، سرکوب اقلیت‌های شیعی در داخل و اهداف توسعه‌طلبانه در یمن مانعی جدی بر سر این امر مهم بوده است. از این رو در این تحقیق هدف واکاوی الزامات رقابت این دو قدرت بر سر کسب جایگاه برتری منطقه‌ای در خاورمیانه و تحلیل و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های هر کدام از این دو قدرت برای کسب جایگاه رهبری منطقه‌ای است. لذا پرسشی که مطرح شده این است که مهمترین الزامات طرح جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان در خاورمیانه چیست و مهمترین چالش‌ها و فرصت‌های آنان در تحقق این هدف مهم کدامند؟ با کاربست چهارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک و تحلیل مؤلفه‌های کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای در سیاست خارجی دولت‌ها در دو سطح خرد و کلان؛ نتیجه تحقیق بر این مبناست که الزامات متعارض قدرت ملی ایران و عربستان، علاوه بر ایجاد فرصت‌های مطلوب برای رشد و طرح قدرت آن‌ها در برخی از حوزه‌ها، همزمان منجر به ایجاد چالش‌های مهمی در دیگر حوزه‌ها شده است. به عبارتی دیگر فشارهای سیستمیک و نیز قدرت نرم و سخت متفاوت این دو بازیگر و کاربرد متناقض آن در سیاست خارجی‌شان مانع از برتری یکی از آن‌ها در منطقه شده است.

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵

تیین الزامات رقابت این دو قدرت، با توجه به تحولات نوینی که در منطقه رخ داده است؛ از جمله فروکشی بحران سوریه و خروج ایالات متحده از برجام، و افزایش تنش ایران و عربستان؛ از دیدگاه جامع‌تری شاید مفید به نظر می‌رسد. بررسی ادبیات موجود در این حوزه نیز حاکی از کثرت مقالات در تحلیل تعاملات ایران و عربستان در منطقه است، از جمله مقاله حسین اعلائی (۱۳۹۷)، «تحلیل تغییرات موازنه قوا در خاورمیانه» که از منظر تحلیل گفتمان به رقابت‌های سیاسی کشورهای منطقه می‌پردازد. مقاله‌ای کیهان برزگر (۱۳۹۶)، «مهار سعودی‌ها»، به تحلیل تلاش عربستان برای انزوای ایران در منطقه از منظر واقع‌گرایی می‌پردازد. همچنین مقاله حسین دهشیار (۱۳۹۱) با عنوان «عربستان؛ کنشگری در بستر روابط ویژه». نویسنده به تحلیل این موضوع می‌پردازد که علت تلاش عربستان برای پیگیری اهداف توسعه طلبانه‌اش در منطقه، ناشی از کاهش رقابت دو ابرقدرت در منطقه بعد از فروکشی جنگ سرد و نیز محو تهدیدات موجودیت عربستان سعودی است. مقاله احمد جانسیز، سجاد بهرامی‌مقدم و علی ستوده (۱۳۹۳)، «رویاریوی ایران و عربستان در بحران سوریه»، رقابت دو دولت در منطقه را از منظر نظریه موازنه تهدید تحلیل کرده و این رقابت را ناشی از تلاش برای کسب حوزه نفوذ در منطقه ذکر کرده‌اند. از این رو از آنجایی که در اغلب تحقیق‌های صورت گرفته به رقابت این دو قدرت به صورت تک متغیره پرداخته شده است؛ لذا در این پژوهش سعی شده است که برای تبیین کسب قدرت رهبری در منطقه، همزمان متغیرهای داخلی و خارجی بررسی گردد.

## ۱. چارچوب تحلیلی واقع‌گرایی نئوکلاسیک

واقع‌گرایی نئوکلاسیک عنوانی است که گیدئون رز، به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن در توضیح روابط بین‌الملل، از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند و برآنند که گستره بلند پروازی یک کشور در وهله نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌المللی و به ویژه توانمندی‌های آن در زمینه سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است. زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها ترجمه شوند. به همین دلیل است که آن‌ها را نئوکلاسیک می‌نامند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۹). رئالیست‌های نئوکلاسیک معتقدند که قدرت دولت به معنای قابلیت نسبی دولت در استخراج و بسیج منابع از جامعه داخلی، به استراتژی موازنه‌گرایانه که احتمالاً دنبال خواهد کرد، شکل خواهد بخشید. در این رهیافت کارکرد نهادهای دولت، ناسیونالیسم و ایدئولوژی،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
 مؤلفه‌های قدرت محسوب می‌شوند (لوبل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۹۸).  
 به اعتقاد راندال شوئلر، (برخلاف ساختارگرایان رئالیستی)، به ندرت الزامات ساختاری، رهبران را به سوی ترجیح یک سیاست بر سیاست دیگر سوق می‌دهد. در واقع هسته اصلی نظریه شوئلر به عنوان یک نئوکلاسیک، آن است که فشارهای نظام‌مند برای تبدیل شدن به رفتار سیاست خارجی باید از صافی متغیرهای داخلی بگذرد (شوئلر، ۱۹۹۸: ۲۰۱). به طوری که دولت به معنای یک دستگاه مرکزی یا نهادهای حکومتی به ارزیابی تهدید و فرصت‌های ناشی از نظام بین‌الملل آنارشیک پرداخته و سیاست خارجی خاص را در قبال آن تهدید اتخاذ می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۱). در حقیقت واقع‌گرایی نئوکلاسیک به عنوان یک نظریه، تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین‌الملل از طریق ساختار دولت و ادراکات، برداشتها و برآوردهای تصمیم‌گیران از قدرت نسبی کشور بر سیاست خارجی و راهبرد کشورها در نظام بین‌الملل را تحلیل می‌کند. در واقع تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی همواره درگیر یک بازی دو سطحی هستند: از یک سو باید به محیط خارجی واکنش نشان دهند و از سوی دیگر باید به استخراج و بسیج منابع در داخل کشور مبادرت می‌ورزند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۳۸۷).

## ۲. جایگاه قدرت منطقه‌ای<sup>۲</sup> ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه

«قدرت منطقه‌ای» واژه‌ای است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین‌المللی بسیار رایج است. این واژه که بنیان نظری خاصی در ادبیات روابط بین‌الملل دارد، گویای نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولت‌هاست که در آن، قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد (حافظ نیا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۶۷). قدرت منطقه‌ای در چارچوب سیستم منطقه‌ای عمل می‌کند و سیستم منطقه‌ای نیز تحت تأثیر منطق حاکم بر سیستم جهانی است. ادبیات مربوط به سیستم‌های منطقه‌ای یا زیرسیستم‌ها در دهه ۱۹۶۰ میلادی در رشته روابط بین‌الملل گسترش یافت اما در دهه‌های بعد تا فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ میلادی برای مدت طولانی کم‌توجهی و حتی بی‌توجهی به این ادبیات صورت گرفت. پس از فروپاشی نظام بین‌المللی دو قطبی بار دیگر توجهی خاص به مبحث سیستم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای صورت گرفت (کاتزنشتاین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶: ۴۸) گولدن هیوز<sup>۵</sup> شاخصه‌های را برای قدرت منطقه‌ای بیان

- 
1. Lobell
  2. Regional Power Position
  3. Hafeznia
  4. Katzentein
  5. Geldenhuys

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵  
کرده است که برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از قدرت منطقه‌ای دارای برتری مادی عمدتاً اقتصادی، برتری جمعیتی و نظامی است که آن را به یک کشور قوی در منطقه تبدیل می‌کند؛ قدرت منطقه‌ای حلقه‌ اتصال با دیگر کشورها در منطقه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شمار می‌آید؛ همچنین دارای قدرت فکری و عقیدتی نیز می‌باشد (گولدن هیوز، ۲۰۱۶: ۲). برای تبدیل شدن کشورها به بازیگرانی مؤثر در یک منطقه شرایط و لوازمی نیاز است که دولت‌ها در صورت دارا بودن آن‌ها می‌توانند جزء قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرند که قابلیت‌ها و توانایی‌های خاصی را داشته باشند. این توانایی‌ها و قابلیت‌های می‌تواند نظامی، اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و ایدئولوژیک باشد (سوفنگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۳۷۸).

از بین کشورهای خاورمیانه، امروزه چند کشور وجود دارد که می‌توانند همه یا بخشی از توانایی‌ها و قابلیت‌های فوق‌الذکر را جهت ایفای نقش منطقه‌ای داشته باشند. این کشورها عبارتند از ایران، ترکیه، مصر و عربستان سعودی. این دولت‌ها با دارا بودن مؤلفه‌های خاص قدرت ملی خویش می‌توانند مدعی قدرت برتر منطقه خاورمیانه باشند؛ هر چند که به نظر می‌رسد ایران و عربستان شرایط و موقعیت بهتری را نسبت به رقبای خود در این عرصه را دارند (حافظ نیا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۳۷).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک و توان و پتانسیل فراوان از جمله ویژگی‌های تاریخی و تمدنی، جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن در خاورمیانه به طور طبیعی متمایل به کسب جایگاه برتری در خاورمیانه است. تا از این طریق بهتر بتواند سایر اهداف جهانی خود را نظیر ام‌القرای جهان اسلام، نظم بین‌المللی اسلامی، تأمین امنیت منطقه‌ای به ویژه در خلیج فارس و رهبری جهان اسلام به ویژه شیعیان منطقه را برآورده سازد. تأثیرگذاری بر شیعیان منطقه، با توجه به سکونت اکثریت جمعیت تشیع جهان در منطقه، شرایط دستیابی ایران برای کسب موقعیت برتری در جهان اسلام به نظر مساعدتر کرده است (ستیناسایا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۱۷۳). در مقابل این مزیت منطقه‌ای برای تقلای برتری، تقابل با نظم بین‌المللی حاکم می‌تواند یک چالش مهم برای ایران در این امر محسوب گردد. از بعد نظامی نیز با توجه به تحریم‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به ایران، بدیهی است که نمی‌توان انتظار داشت که این کشور از این اقدامات متأثر نباشد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۶۴).

- 
1. Sofeng
  2. Hafeznia
  3. Cetinasayasaya

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

۳. بررسی قدرت ج.ا. ایران و عربستان سعودی از منظر رئالیسم

نئوکلاسیک

۳-۱. مؤلفه‌های مادی و غیرمادی قدرت در عرصه بین‌المللی

۳-۱-۱. دارایی‌های مادی قدرت

منابع قدرت در دو دسته مادی و غیرمادی دسته‌بندی می‌شوند. منابع مادی قدرت که به آن قدرت سخت نیز گفته می‌شود، ضرورتاً قدرت نظامی دولت‌هاست (سوفنگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۱۴۳). جان مرشایمر، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی نو کلاسیک تهاجمی، معتقد است که هر چند که مؤلفه‌های مادی دیگر نیز بر قدرت مادی یا قدرت سخت دولت‌ها تأثیرگذار است مانند قدرت اقتصادی، قدرت جمعیتی (تعداد جمعیت کل کشور)، قدرت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و به ویژه موقعیت ژئوپلیتیکی کشورها در تعیین جایگاه و اهداف سیاست خارجی آن‌ها در نظام بین‌المللی مؤثرند؛ اما قدرت نظامی دولت‌ها در نهایت تعیین‌کننده جاه‌طلبی ایشان در نظام بین‌المللی است (مرشایمر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۵۵). در برابر این قدرت سخت، امروزه دولت‌های که در کسب صدرنشینی بر منزلگاه منطقه‌ای هستند، تلاشی روزافزون جهت ارتقای عناصر جذاب همانند فرهنگ، تمدن، ایدئولوژی، پرستیژ بین‌المللی و اعتبار و مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی یا هر آنچه که به تعبیر ژوزف نای قدرت نرم خوانده می‌شود که بدون پرداخت هزینه و زور و اجبار و قدرت نظامی دولت‌ها به دست آورده می‌شود؛ خویش را نیز در سر می‌پروراند (نای<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۱۰).

۳-۱-۲. ادراکات ذهنی تصمیم‌گیرندگان

محیط روانی یا ادراکی نیز که به معنای تصورات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان از واقعیت‌ها و شرایط بیرونی یا محیط عملیاتی است نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی ایفا می‌کند. محیط روانی، تصورات، برداشت‌ها و ادراکات رهبران سیاسی است که از تعامل و برآیند دریافت‌های انتخابی آن‌ها از شرایط و محیط خارجی به وسیله تصاویر وی از حوادث و پدیده‌های تاریخی و واقعی شکل می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲). از دیدگاه کنت بولدینگ، تصمیمات به میزان زیادی محصول انگاره‌هایی هستند که رهبران درباره سایر دولت‌ها یا رهبران دیگر کشورها دارند و از این رو براساس قالب‌ها، پیش‌داوری‌ها و سایر منابع ذهنی که

1. Suofeng
2. Mersheimer
3. Nye

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای  $\diamond$   
بر توانایی اجرای تصمیمات عقلایی تأثیر می‌گذارند، شکل می‌گیرند. در تعیین سیاست خارجی همواره مؤلفه‌های زیر مورد توجه سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان اصلی هر دولتی قرار می‌گیرند؛ بینش جهانی و برداشت‌های ذهنی، بافت جامعه و فرهنگ غالب سیاسی آن و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نوع ساختار تصمیم‌گیری در شیوه تعامل دولت‌ها با هم مؤثرند (شاپیرو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۵۴).

### ۳-۱-۳. توان نمایش قدرت رهبری منطقه

#### ۴. منابع قدرت جمهوری اسلامی ایران

##### ۴-۱. منابع مادی قدرت ایران

قرارگیری ایران در این موقعیت‌های جغرافیایی و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های متعدد، لزوم برنامه‌ریزی در جهت افزایش قدرت ملی دو چندان می‌سازد. ذخایر غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس و دریای خزر آن چنان است که ایران پس از عربستان سعودی بیشترین ذخایر اثبات شده نفت جهان را دارد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۵۵). در پی تحریم‌های ایران، تولید نفت ایران به ۷۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته و به ۲,۲۱ میلیون بشکه در روز رسیده است (بلومبرگ، ۱۳۹۸). گستردگی قلمرو جغرافیایی، اکثریت جمعیت جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک کشور بزرگ و بازیگر منطقه‌ای قدرتمندی در می‌آورد. این واقعیت عینی یا ادراکی ایران را بر می‌انگیزد تا درصدد بازیگری مؤثر منطقه‌ای و حتی جهانی جهت دستیابی به جایگاه مناسب یا برتر در منطقه به ویژه حوزه خلیج فارس برآید (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۹۶).

##### ۴-۲. منابع و متغیرهای غیرمادی ایران:

#### ۴-۲-۱. مهمترین منابع قدرت نرم ایران عبارتند از:

##### الف) تمدن کهن ایرانی

سابقه و قدمت ایران به عنوان یک قدرت بزرگ، باشکوه و توانمند با تاریخ و تمدن کهن، موجب شکل‌گیری این ذهنیت و اعتقاد در رهبران و مردم می‌شود که کشور از مرکزیت و جایگاه ممتازی در نظام و روابط بین‌الملل برخوردار بوده و نقطه کانونی محاسبات و ملاحظات راهبردی جهان سیاست است. این شکوه و عظمت گذشته، خود باوری و اعتماد به نفس ملی را برمی‌انگیزد و به شکل‌گیری هویت ملی قوام یافته و متمایز ایرانی می‌انجامد که در عین ماهیت اسلامی از ایران‌گرایی نیز سیراب می‌شود. برآیند این دو عامل، یعنی قائل بودن محوریت برای

---

1. Spiro

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
ایران در روابط بین‌الملل و برخورداری از هویت ملی مستقل، در سیاست خارجی باعث استقلال‌طلبی، و آزادی عمل در عرصه بین‌المللی جهت بازیابی عظمت گذشته می‌شود. البته این انگیزه و هدف در چهارچوب آموزه‌ها و اندیشه‌های اسلامی، به عنوان بازسازی و بازیابی شکوه تمدن و فرهنگ اسلامی ایران تعریف و تعیین می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۳).

### ب) مذهب تشیع

یکی از مؤلفه‌های دیگر قدرت نرم ایران، ارزش‌های اسلامی و به ویژه مذهب تشیع در آن است. ایران از طریق این منبع قدرت تاکنون توانسته است بر دولت‌ها و ملت‌های تشیع منطقه تأثیر ویژه‌ای بگذارد. افزایش نفوذ ایران در مناطق تشیع نشین کشورهای منطقه، منجر به افزایش قدرت آن شده است. به گونه‌ای که رهبران اهل تسنن از گسترش نفوذ ایران در منطقه به عنوان اختاپوسی چند سر یاد کرده‌اند که باید از آن جلوگیری کرد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۹).

### پ) رفتار و فرهنگ سیاسی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قدرت نرم ایران، رفتارهای سیاسی و فرهنگ سیاسی آن است. رفتارها و سیاست‌های متداوم جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان و مبارزه با رفتارهای زورگویانه غرب و به ویژه ایالات متحده، به آن یک چهره خاصی در بین ملت‌های آزاده جهان بخشیده است. بنابراین سیاست‌های اتخاذ شده توسط رهبران ایران و ایجاد جذابیت فرهنگی و سیاسی بخشی از قدرت نرم آن محسوب می‌شود (ستیناسایا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۵۴).

### ت) پندارهای ذهنی تصمیم‌گیرندگان ایران

نوع نگرش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان ایران به نظام بین‌المللی و منطقه‌ای تصور آنان از هویت و جایگاه و نقش ایران برداشت آن‌ها از اهداف و اولویت‌های ایران و ادراک آنان از چگونگی و شیوه اجرا و اعمال سیاست خارجی، تأثیر بسزایی بر رفتار سیاست خارجی آن داده به ویژه ارجحیت‌های راهبرد جمهوری اسلامی عامل بسیار مهمی در تعیین سیاست خارجی ایران و رفتار آن در منطقه و جهان است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲). توزیع نسبی مقدرات و ساختار قدرت داخلی، نوع تصاویری که تصمیم‌گیرندگان ایران از دوستان و دشمنان در سطح

---

1. Cetinasaya



\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵  
منطقه و جهان دارند و نیز برداشت‌های ذهنی رهبران از بده بستان با دولت‌های منطقه‌ای دارند، و به تبع آن رفتار ایران بوده مؤثر است.

### ث) نمایش قدرت رهبری<sup>۱</sup> ایران در منطقه

سند چشم‌انداز بسیت ساله آینده مقرر داشته است که «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»، همچنین در این سند آمده است که در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری «دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، و دارای تعامل فعال با اقتصاد جهانی تعریف شده است (عزتی، ۱۳۸۴: ۸۵). همین امر به روشنی نمایانگر تدوین طرح ادعای رهبری منطقه در نزد دولتمردان ایران است.

در حوزه اقتصادی، علیرغم برداشتن گام‌های ابتدایی از جمله تلاش برای فعال کردن مجدد سازمان همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای اکو؛ و با توجه به اینکه ایران از قدرتهای اقتصادی منطقه است اما در عمل رهبری این مجموعه را نه تنها ایران بر عهده ندارد بلکه سایر کشورهای دیگر اختیارات چندانی در آن ندارند. دلایل متفاوتی را می‌توان برای این وضعیت برشمرد: علاوه بر دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای، عدم اعتماد بین کشورهای منطقه، وجود اختلافات عمیق سیاسی، مذهبی، فرقه‌ای و غیره بین کشورهای منطقه، مشکلات ساختاری اقتصادهای منطقه از جمله اینکه کشورهای منطقه عموماً تولیدکننده مواد خام هستند و لذا مکمل هم هستند؛ همچنین ساختار اقتصادهای منطقه ساختار یکسانی نیست، برای مثال پاکستان و ترکیه دارای اقتصادهای آزاد، ایران میان نظام اقتصادی مختلط و آزاد در نوسان و کشورهای تازه استقلال یافته از بازماندگان نظام سوسیالیستی شوروی سابق به شمار می‌آیند (واعظی، ۱۳۸۹: ۷۵).

### ۵. منابع طرح قدرت عربستان سعودی

#### ۵-۱. منابع مادی

قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان خلیج فارس و دریای سرخ به این کشور موقعیت خاص ژئوپلیتیکی بخشیده است، ولی استفاده هر دو آبراه فوق‌الذکر مساوی است با عبور از تنگه‌های و تنگه باب‌المندب. اولی که تحت نفوذ ایران است و دومی تحت نظر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

جمهوری یمن است. در این راستا مسئله عربستان سعودی در پی یافتن مسیرهای جهت جایگزین نمودن تنگه هرمز برای صدور نفت بود. در پی این موضوع این کشور سه طرح ساختمان خط لوله نفتی را برای این منظور اعلام و هم زمان مبادرت به سرمایه‌گذاری کلان در طرح گسترده تأسیس پایگاه نظامی در سواحل خلیج فارس در «قطیف» نمود. و به این ترتیب عربستان به عنوان پل ارتباطی، دسترس کشورهای خلیج فارس را به دیگر نقاط جهان از راه زمینی میسر می‌سازد (عظیمی، ۱۳۸۰: ۲).

یکی از عوامل مهم و اساسی دیگر که اهمیت استراتژیک عربستان سعودی را آشکار می‌کند و مهمترین مؤلفه ژئوپلیتیکی آن می‌باشد. وجود ۲۵٪ نفت کل جهان در این کشور است (پیرس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۲۲۳). آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سال ۲۰۱۱، توان تولید عربستان در سال ۲۰۱۵ را ۵,۱۰ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۲۰ معادل ۹,۱۰ میلیون بشکه در روز برآورد کرده است. البته آژانس همانند سابق، دورنمای مناسبی از وضعیت عربستان تصویر نموده و پیش‌بینی کرده است که تولید نفت عربستان تا ۲۰۳۰ به ۶,۱۲ میلیون بشکه خواهد رسید (ماهنامه اکتشاف و تولید، ۱۳۹۸).

با احداث خط لوله انتقال نفت از ساحل خلیج فارس به دریای سرخ، اهمیت استراتژیک عربستان در زمینه صدور نفت بیش از پیش افزایش یافته است. به علاوه بیشتر نفت کش‌ها و همچنین کشتی‌های تجاری که از تنگه عبور می‌کنند، هدفشان لنگر انداختن در عربستان است. در واقع این کشور، موقعیتی مرکزی دارد.

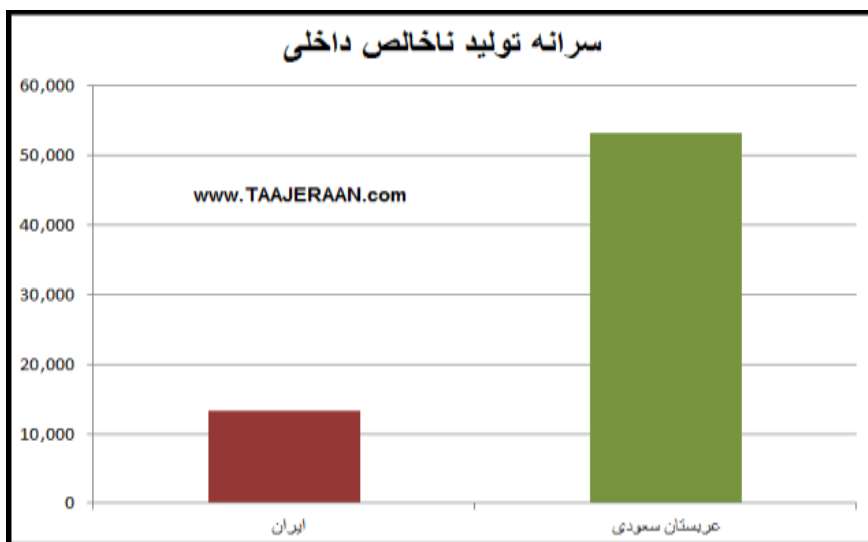
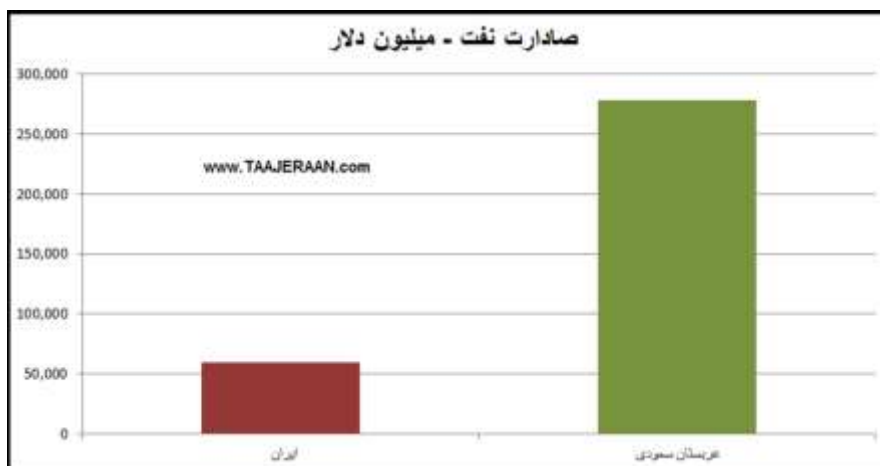
براساس رده بندی پایگاه «گلوبال فایر پاور» از قدرت نظامی کشورها در سال ۲۰۱۹، ایران جایگاه ۱۴ جهانی را از میان ۱۳۷ کشور به خود اختصاص داده است. این در حالی است که عربستان در جایگاه ۲۵ قرار دارد. جمعیت کل ایران حدود ۸۳ میلیون نفر و شمار کلی نیروهای مسلح ایران ۸۷۳ هزار تن، شامل ۵۲۳ هزار پرسنل فعال و ۳۵۰ هزار تن ذخیره اعلام شده است. این در حالی است که شمار کل نیروهای مسلح سعودی ۲۳۰ هزار نفر از جمعیت ۳۳ میلیون نفر است (العالم، ۱۳۹۸). گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل حکایت از آن دارد که عربستان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ م به طور متوسط سالانه ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده است. این رقم در سال ۲۰۱۳، نه میلیارد دلار بود. در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ ایران تنها ۲,۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده و این رقم در سال ۲۰۱۳، سه میلیارد دلار بوده است. انتظار می‌رود که حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشوری ایران دو تا سه برابر این رقم باشد. بخشی از موفقیت عربستان سعودی ناشی از

---

1. Pierce

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ◇

این است که در دسامبر ۲۰۰۵ به سازمان تجارت جهانی پیوست (فرامرزی، ۱۳۹۸).  
نمودارهای زیر میزان صادرات نفتی دو کشور و نیز سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص حقیقی ایران و عربستان را در منطقه نشان داده است.  
۱. نمودار میزان صادرات نفت ایران و عربستان

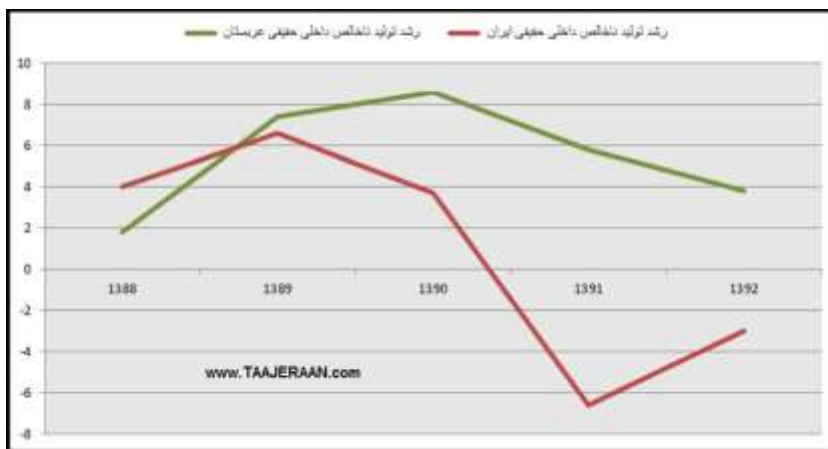


(فرامرزی ۱۳۹۸)

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

۲. نمودار رشد تولید ناخالص داخلی ایران و عربستان

۲. نمودار رشد تولید ناخالص داخلی ایران و عربستان



(فرامرزی، ۱۳۹۸)

## ۲-۵. منابع غیر مادی

### الف) اهمیت و اعتبار فرهنگی بین‌المللی

گذشته از موقعیت جغرافیای ویژه عربستان، به لحاظ فرهنگ نیز اهمیت دارد، برخاستن دین مبین اسلام، و برگذاری مناسبت اسلامی به این کشور موقعیتی خاص در جهان اسلام داده است. مدیریت هزارن زائر در سال که برای برگزاری مراسم حج به عربستان سفر می‌کنند، منجر به ایجاد نفوذ بیشتر این کشور در بین ملت‌های اسلامی شده است (آشتی، ۱۳۸۰: ۲۱).

### ب) خاندان سعود و اسلام، وهابیت سلفی‌گری یا جهادی

عربستان سعودی یکی از دو کشوری است که نام خانواده سلطنتی‌اش، یعنی آل سعود را بر خود دارد. دومین کشور پادشاهی هاشمی اردن است. اعضای خاندان سلطنتی سعودی به پادشاهی خود، به منزله نمونه‌ای نادر از دولت‌سازی عربی - اسلامی و به مثابه مرکز ژئوپلیتیک جهان اسلام افتخار می‌کند. آن‌ها اغلب تأکید دارند که عربستان سعودی، برخلاف کشورهای همسایه، چون عراق و اردن، ساخته دست قدرت‌های استعماری اروپایی نیست؛ بلکه از دستاوردهای خود خانواده سلطنتی و دهه‌ها پیروزی نظامی و دولت‌سازی است. پادشاهان سعودی برای تأکید بر موقعیت ممتاز خاندان آل سعود در جهان اسلام، رهبر جامعه وهابی و

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵  
پادشاهی که تنها مسئول قانون الهی است، دانسته می‌شوند. ملک فهد در سال ۱۹۶۸ خود را  
خادم حرمین شریفین نامید تا رهبری خود را بر امت اسلامی نشان بدهد (استنسلی، ۱۳۹۳:  
۲۳۹).

اسلام‌گرایی در عربستان بر سه نوع خاص است، گونه نخست تکفیرگرایی یا دین‌مداری  
افراطی، گونه دوم اصلاح‌طلبی و در نهایت گونه سوم، وهابیت سلفی‌گری که در مناطق مناقشه  
برانگیز خارجی سعودی‌ها مرتبط است که پدیده‌ای نو و کاملاً سیاسی و در جهت تأمین اهداف  
سیاسی این دولت است (الرشید<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۵۸) (AL-). این جریان هرگونه اقدام خشونت‌آمیز را  
مجاز می‌دانند و حرکت‌های مسلحانه‌ای انجام می‌دهند. مصادیق این جریان فکری را می‌توان  
در جنبش دیوبندها در هند، طالبان و برخی جریان‌های خشونت طلب همچون القاعده و سپاه  
صحابه در پاکستان و برخی گروه‌های تکفیری در مصر و دیگر کشورها مشاهده کرد (دارویج<sup>۲</sup>،  
۲۰۱۷: ۶۷).

بنابراین اسلام تعریف‌کننده نقش عربستان سعودی در جهان اسلام است. عربستان سعودی،  
میزبان مراسم حج مسلمانان، هرساله از حدود دو سه میلیون زائر از سراسر جهان را پذیرایی  
می‌کند. سازمان حج به خودی خود پادشاه عربستان را در شبکه مهم و عملی روابط با دیگر  
کشورهای مسلمان وارد کرده است. به عنوان بازتابی از نقش مرکزی اسلام در فرمول‌بندی  
مشروعیت داخلی رژیم سعودی، ریاض در میان دولت‌های اسلامی نقش سیاسی پیشرویی برای  
خود قائل است. عربستان نقش اساسی در شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی، که سازمان  
بین‌المللی کشورهای مسلمان جهان است، ایفا نمود و بزرگترین سهم را در تأمین بودجه آن  
داشت. عربستان مقر اصلی و مهمترین تأمین‌کننده مالی سازمان اسلامی غیر دولتی همچون و  
اتحادیه جهانی جوانان مسلمان<sup>۳</sup> اتحادیه جهانی مسلمانان<sup>۴</sup> به شمار می‌رود (هینه بوش،  
احتشامی، ۱۳۹۰: ۳۵۳-۳۷۸).

### پ) ذبردانست ذهنی رهبران عربستان سعودی

طرز تلقی عربستان سعودی از نقش رهبری اسلامی خود کاملاً با روابط قوی این کشور با  
آمریکا سازگاری دارد؛ امری که متفکران مسلمان افراطی‌تر آن را کاملاً با هم ناسازگار می‌دانند.  
نقش رهبری آن‌ها وضعیت موجود جهانی را به چالش نمی‌طلبد و تنها در پی برخورد بهتر با

- 
1. AL- Rasheed
  2. Darwich
  3. Muslim World League Youth
  4. World Leage of Muslim

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
افراد دولت مسلمان در این چارچوب است (پیسکاتوری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۷۴). با اینکه رهبری عربستان در بازار جهانی نفت، ثروت و موقعیت بین‌المللی را به ارمغان آورده است، اما این کشور را در معرض فشارهای شدید منطقه‌ای و جهانی قرار داده است. تأکید خودآگاهانه بر «اسلامی‌ترین» کشور بودن در میان کشورهای مسلمان، عنصر مهمی در مشروعیت داخلی و جایگاه منطقه‌ای عربستان بوده است، اما در عین حال باعث انتقاد از مدعیان دیگر رهبری جهان عرب و جهان اسلامی شده است.

### ت) نمایش قدرت رهبری عربستان سعودی در منطقه

عربستان با برخورداری از میزان زیادی از ذخایر نفتی جهان، موقعیت محاط بین سه گذرگاه بین‌المللی دریایی، مرکز ارتباطات دریای سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، مرکز عبادی جهان اسلام، بازار بزرگ برای کالاهای اقتصادی و تجهیزات نظامی، اعتبار و نفوذ قابل قبول در جهان عرب از یک سو و بودن اهداف و اولویت‌های سیاست‌های خارجی ایالات متحده در تهدید نفوذ شوروی و ایران در خلال سه دهه گذشته از سوی دیگر، اهمیتی ویژه در معادلات آمریکا و جایگاه آن در ساختار نظام بین‌الملل دارد (خادم، ۱۳۸۹: ۱۱۰). هر چند که روابط این دو بازیگر بعد از حادثه ستامبر تا حدودی دچار اختلال گردید. عربستان و ایالات متحده دو شریک تجاری برای یکدیگرند. بر طبق آمار انتشار یافته، آمریکا هم در بخش صادرات و هم در بخش واردات بزرگترین شریک تجاری عربستان محسوب می‌شود (دنیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). در سال ۱۹۸۵ شریک در کتاب «تکاپوی جهانی» نوشت: «آمریکایی‌ها سرانجام به اهمیت عربستان سعودی پی می‌برند و کارشناسان پینتگون به این نتیجه می‌رسند که این قطعه را هر که در دست داشته باشد، برتری بزرگی خواهد داشت، حتی می‌گویند ظرف ۱۰ سال هر که به عربستان و خاورمیانه مسلط باشد، بر همه قاره اروپا مسلط خواهد بود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۷۲).

نکته قابل توجه آن است که هدف آمریکا خنثی کردن نقش ایران در منطقه خاورمیانه است. نقش ایران در منطقه ناشی از وسعت کشور، توان اقتصادی، و نظامی آن، استقلال سیاسی نظامی حکومتی آن و موقعیت سوق‌الجیشی این کشور است (پیرس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۳).

1. Piscatori
2. Daniel
3. Pierce

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵

## ۶- عوامل بین‌المللی در طرح قدرت منطقه‌ای

### ۶-۱. کاربرد ابزارهای قدرت در سیاست خارجی

طرح اجبار و اقناع یا ترغیب دیگران در سیاست خارجی همانگونه که گفته شد، مستلزم دارا بودن منابع مادی نظیر منابع اقتصادی، نظامی، است. از ابزارهای اقتصادی می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تجارت و اعطای کمک‌های اشاره کرد که دولت به کارگیرنده با کاهش و افزایش آن‌ها در مورد کشورهای هدف، آن‌ها را به همراهی با خود ترغیب می‌کند. ابزارهای نظامی نیز هم شامل استفاده از اجبار نظامی یا روش‌های غیر مستقیم از جمله تهدید، حمایت از دشمنان دولت یا دولت‌های خاص است که به دستیابی به خواسته‌ها کمک می‌نماید. ابزارهای نظامی هم شامل استفاده ابزارهای مختلفی نظیر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، حقانیت و نفوذ معنوی است که می‌تواند به عنوان پتانسیلی جهت کمک به تقویت جایگاه قدرت منطقه‌ای محسوب گردد. ابزارهای نهادی نیز از جمله ابزارهای غیرمادی هستند که در آن هنجارها و قواعد و رویه‌های رسمی و غیررسمی اهمیت می‌یابند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

### ۶-۲. رفتار سایر دولت‌های منطقه‌ای و جهانی در قبال طرح قدرت منطقه‌ای

نقش و رفتار سایر دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در فراهم آوردن بسترهای لازم برای طرح یک قدرت منطقه‌ای ضروری است. به عبارتی دیگر، ارتقای جایگاه یک دولت در سطح منطقه یا حتی جهان نیازمند اتخاذ رفتارهای مسئولانه دولت مزبور در قبال همسایگان است. پرهیز از سیاست‌های تنش‌آمیز، در پیش گرفتن سیاست‌های مسالمت‌آمیز و از همه مهمتر اینکه رفتار دولت باید به گونه‌ای باشد که سایر دولت‌های منطقه‌ای احساس ناامنی و خطر در صورت ارتقای قدرت آن دولت را نداشته باشند. به عبارتی دیگر سیاست‌ها و رفتارهای آن ایجاد معمای امنیتی در منطقه ننماید (لوبل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۶۲).

### ۶-۳. به کارگیری ابزارهای قدرت در سیاست خارجی ایران

از آنجایی که ایران، دارای منابع غنی مادی و غیرمادی در منطقه است، بالقوه می‌تواند طرح یک قدرت منطقه‌ای را در خاورمیانه داشته باشد. ایران با حمایت و پشتیبانی غیرمستقیم مادی و غیرمادی از متحدین خود در منطقه از جمله حماس و حزب الله لبنان و اهل تشیع در عراق و سوریه به درستی از منابع خویش بهره برده است. نمایش قدرت نظامی با انجام مانورهای نظامی

---

1. Lobell

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

و آزمایش‌های موفق موشک‌های بالستیک و مدیریت نظامی بحران سوریه بیانگر برنامه هدفمند ایران برای طرح یک قدرت منطقه‌ای است. همچنین انعقاد پیمان برنامه جامع اقدام متقابل با اعضای ۵+۱ و اجرای آن و تأکید آمانو، دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مبنی بر اجرا و پایبندی ایران به برجام، و گسترش روابط مسالمت‌آمیز ایران با اتحادیه اروپا و نیز همسایگان گامی مهم در پیشبرد و تحقق این هدف مهم بوده است. همچنین ایران به واسطه وجود تمدن و فرهنگ چند هزار ساله دارای حوزه تمدنی ایرانی وسیعی است که می‌تواند با تکیه بر آن تأثیر به‌سزایی در منطقه داشته باشد. تقویت عناصر تمدنی همچون اسطوره‌ها، آیین کهن، زبان و فرهنگ به ویژه در مناطقی که در حوزه تمدنی ایران قرار دارند، می‌تواند موجب همبستگی میان مردمان این مناطق شود. همچنین ایجاد ارتباط فرهنگی با کشورهای منطقه به ویژه در آسیای میانه که بخشی از حوزه تمدنی پارسی به شمار می‌آیند، می‌تواند به عمق استراتژیک فرهنگی ایران کمک قابل توجهی نماید (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۸۶).

## ۶-۴. پذیرش جایگاه منطقه‌ای ایران از سوی دولت‌های منطقه‌ای و

### فرامنطقه‌ای

یکی از مؤلفه‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی ایران، تجدید نظرطلبی آن در نظام بین‌الملل بوده است. ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب، یکی از جلوه‌های صدور ارزش‌های انقلاب در نظام بین‌المللی را طرح دیدگاه‌های خود در خصوص اصلاح مناسبات جهانی و منطق حاکم بر نظام بین‌الملل می‌داند. از این رو، رویکردی انتقادی به نظام بین‌الملل موجود داشته است. بنابراین از منظر ج.ا.ایران، نظام بین‌الملل موجود، مطلوب نیست و باید اصلاح گردد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱۵). از این منظر ایران از جمله منتقدین نظام بین‌الملل بوده است؛ به گونه‌ای که ضمن ناعادلانه خواندن آن در پی دگرگون کردن این ساختار است. به همین دلیل نظام بین‌الملل و در رأس آن ایالات متحده در مواجهه با جمهوری اسلامی قرار گرفته است و از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون سیاست مهار و انزوای ایران را در دستور کار خود قرار داده است. از آنجایی که اغلب دولت‌های منطقه خاورمیانه از لحاظ نظامی به دولت ایالات متحده وابسته بوده، و غالباً دنباله‌رو سیاست‌های آن، رفتارها و سیاست‌های مبتنی بر سوءبرداشت را با ایران داشته‌اند. دولت‌های منطقه ایران را تهدیدی علیه موجودیت خویش پنداشته‌اند (مصلى نژاد، ۱۳۹۱: ۷۸).

## ۵-۶. به کارگیری ابزارهای قدرت در سیاست خارجی عربستان سعودی

در حالی که نفت اصلی‌ترین شاه راه هم‌گرایی با نظام اقتصادی و راهبردی جهانی است،



\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵

ریاض نقش مهمی را در صحنه دیگری از نظام بین‌الملل، یعنی گروه دولت‌های مسلمان نه چندان به هم نزدیک، ایفا می‌کند. عربستان تلاش می‌کند که استقلال و خود مختاری خود را از طریق جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای حفظ نماید. از این رو، عربستانی‌ها مجبورند نه تنها در قبال در قبال تغییر قدرت نظامی و اقتصادی درون منطقه، بلکه در مقابل تهدیدات کاملاً سیاسی، که مشروعیت و امنیت داخلی آن را تهدید می‌کند، از خود واکنش نشان دهند. رهبران خارجی که مدعی ردای سروری یا اسلام‌گرایی باشند، می‌توانند به طور مستقیم شهروندان عربستان را جذب کرده و موجب اعمال فشار آن‌ها بر حاکمان یا قیام آن‌ها عیله حاکمان شوند. علاوه بر این به دلیل احساسات عربی و اسلامی در میان مردم عربستان، که خود حکومت تا حدی آن را تشویق می‌کند، ریاض از واکنش‌های داخلی در صورت انحراف حکومت از اجماع اسلامی یا عربی ناسیونالیستی در مورد مسائلی نظیر اسرائیل و رابطه با ایالات متحده نگران است (هینه بوش، احتشامی، ۱۳۹۰: ۳۵۹).

## ۶-۷. پذیرش جایگاه منطقه‌ای عربستان از سوی سایر دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای

مبانی سیاست خارجی عربستان بر پایه حفظ روابط دوستانه این کشور با کشورهای سرمایه‌داری غرب شکل گرفته است. با این همه، عربستان همواره کوشیده است تا در سیاست خارجی خود رویکردی دوگانه را حفظ کند. به عبارت دیگر، این کشور باید به صورت همزمان دو نقش را ایفا کند: رهبری جهان اسلام، دولت و متحد غرب؛ در حالی که شاهزادگان سعودی پای شرکت‌های سرمایه‌گذار نفتی را از دورترین نقاط جهان به این کشور باز کرده‌اند؛ مقر بسیاری از سازمان‌های اسلامی نظیر بانک توسعه اسلامی و دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی در این کشور قرار دارد و این کشور احساس رهبری بر آن‌ها را دارد (بلانکارد، ۲۰۱۵: ۱۴). یکی از مهمترین دغدغه‌های عربستان در منطقه، موضوع امنیت و حفظ موجودیت و ثبات رژیم سعودی است. این نگرانی تا حدود زیادی به فقر مشروعیت سیاسی و عدم وجود حمایت‌های مردمی و نزدیکی آن به کشورهای غربی برای تأمین ثبات سیاسی باز می‌گردد. این درو مسئله موجب شده سعودی‌ها بیش از پیش نگران محیط پیرامونی خود باشند و مجموعه تحولات موجود را به ضرر خود ارزیابی کنند. از آنجا که عربستان همواره نمی‌توانسته است که نقش رهبری را در سطح منطقه، جهان عرب و حتی جهان اسلام ایفا کند و تأثیرگذاری خود را در عرصه سیاست خارجی افزایش دهد. همین مسئله باعث شده تا برای تحقق اهداف منطقه‌ای خود، روابط خود

---

1. Blanchard

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

را با غرب مستحکم سازد (منفرد، ۱۳۸۸: ۵۰). بنابراین برخلاف گذشته که عربستان توسعه نفوذ و امنیت خود را در وهله اول سد کردن فعالیت‌های و سیاست‌های کشورهای رهبران پان عرب تعریف می‌کرد، امروزه امنیت و تضمین رشد قدرت برای رهبران عربستان سعودی تعریفی متفاوت یافته است. سیاست‌های تدافعی برای تضمین امنیت و رشد قدرت، جای خود را به خط مشی‌های تهاجمی و کنش‌گرایانه داده است. فضای بین‌المللی و محیط منطقه‌ای به شدت مستعد این تغییر استراتژی بوده است. یکه تازی آمریکا در صحنه جهانی که به دلایل متفاوت به چالش جدی به وسیله روسیه و چین گرفتار نشده است، این امکان را به وجود آورده که اقدامات عربستان و سیاست‌های این کشور در منطقه تقریباً از انتقادهای سیستم بین‌المللی مصون بماند. از بین رفتن اقتدار و مشروعیت گفتمان پان عربیسم و به حاشیه رانده شدن کشورهای هم‌تراز و یا قدرتمند در جهان عرب، منجر به ایجاد فضای خالی قدرتی شده که عربستان امکان پر کردن آن را یافته است (دهشیار، ۱۳۹۲: ۶۱).

### نتیجه‌گیری

گفته شد که از منظر واقع‌گرایی نئوکلاسیک، دولت‌ها برای رشد قدرت خویش نیاز به دو ابزار همزمان دارند، ابتدا دارا بودن منابع قدرت و سپس کاربرد درست این ابزارهای قدرت (مادی و غیرمادی یا قدرت سخت و قدرت نرم) در سیاست خارجی و نیز توان اقناع دیگر دولت‌ها برای اطمینان از اینکه رشد قدرت و یا طرح قدرت آن‌ها در منطقه تهدیدی علیه موجودیت و جایگاه و امنیت‌شان نیست. ایران و عربستان دو قدرت بزرگ منطقه هر دو در تلاش برای کسب قدرت رهبری منطقه خاورمیانه هستند. در سال‌های اخیر برجسته‌ترین نماد عربستان به عنوان کشوری که در صدد کسب جایگاه اول قدرت در منطقه خاورمیانه است، مداخله آشکار این کشور برای تغییر رژیم در سوریه و نیز جنگ با دولت درمانده یمن است. عربستان منابع مالی وسیعی را در اختیار نیروهای داخلی و خارجی مخالف سیستم سیاسی سوریه که در مرزهای این کشور با ترکیه اسکان گرفته‌اند و به جنگ مسلحانه اقدام کرده‌اند، اعطا کرده است. عربستان منبع اصلی افراط‌گرایی وهابی و مدافع اصلی محافظه‌کاری در منطقه است، عربستان از نفت به عنوان یک کلید استراتژیکی استفاده کرده است تا علاوه بر تضمین امنیت در داخل، قدرت خویش را در منطقه به نمایش بگذارد. منابع عظیم فسیلی و روابط ویژه با غرب ستون‌های اصلی طرح قدرت منطقه‌ای عربستان در خاورمیانه هستند. عربستان درصدد بوده که به کیفیت روابط نیروها در کشورهای منطقه به عنوان یک بازیگر قدرتمند با نفوذ ایفای نقش نماید. از همین رو از تمامی ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی خویش بهره برده است. عربستان سعودی در چند ساله اخیر مهم‌ترین منبع تکوین و اشاعه جریان وهابیت و سلفی‌گری در جهان اسلام بوده است.

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ۵

در حقیقت عربستان، گفتمان وهابی و سلفی‌گرای افراطی را ابزاری برای کسب نفوذ و قدرت منطقه‌ای پنداشته است. عربستان به زعم خویش، با حمایت از این گروه‌ها، درصدد جلوگیری از نفوذ و قدرت ایران در منطقه بوده است. مقامات سعودی خود را رهبر جهان اسلام به ویژه اهل تسنن می‌دانند.

در حالی که ایران نیز به طور طبیعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خود را رهبر جهان اسلام و به ویژه اهل تشیع می‌داند. سرنگونی نظام بعثی در عراق و به تبع آن شکل‌گیری دولت شیعی در عراق و نیز سرکوبی تقریبی تروریست‌ها و افراط‌گرایان با حضور نیروهای امنیتی ایران در سوریه، خارج شدن پرونده هسته‌ای ایران از شوارای امنیت سازمان ملل و انعقاد برجام، نفوذ و نمایش قدرت ایران را در منطقه به بالاترین جایگاه خود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رسانده است. امری که رقابت شدید عربستان را برانگیخته و این دولت با تکیه بر روابط ویژه خود با آمریکا حداکثر تلاش خود را برای جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک قدرت برتر در منطقه انجام داده است. خروج آمریکا از برجام و اعمال سیاست‌های تحریمی گسترده و بی‌سابقه علیه ایران و نیز انجام تهدیدات لفظی حمله نظامی به ایران و امنیتی نمودن بحث موشک‌های بالیستیک ایران، بیانگر چالش‌های رشد و طرح قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.

به نظر می‌رسد مقدرات داخلی ایران، قرارگیری ژئوپلیتیکی، جمعیت جوان تحصیل‌کرده، منابع عظیم اقتصادی و قدرت فرهنگی و مذهبی و مهمتر از همه مدیریت هوشمندانه بحران‌های منطقه‌ای چون سوریه، یمن و افغانستان و عراق و تلاش برای توسعه روابط مسالمت‌آمیز با غرب به ویژه اتحادیه اروپا، بستر طرح قدرت رهبری ایران را در منطقه فراهم آورده باشد؛ اما سیاست‌ها و روابط غیر مسالمت‌آمیز آن با ایالات متحده، به عنوان هژمون جهانی، مانعی اساسی در تحقق این امر بوده است. شاید در یک نگاه کلی شاید بتوان گفت که بزرگترین مانع ایران در طرح قدرت منطقه‌ای آن در حال حاضر، بزرگترین عامل ارتقای عربستان سعودی به جایگاه قدرت برتری منطقه خاورمیانه باشد. هر دو کشور با درآ بودن منابع عظیم قدرت سخت و نرم توان بالقوه رهبری منطقه را دارا هستند، اما کاربرد متفاوت این ابزارها در سیاست خارجی و عرصه بین‌المللی، و نیز شیوه تعاملاتشان با قدرت‌های بزرگ جهانی به ویژه ایالات متحده، بر تقلا‌ی‌شان را برای کسب جایگاه برتر در خاورمیانه افزوده است.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

## منابع

- استنسیلی، استیگ (۱۳۹۳). **جامعه شناسی سیاسی قدرت در عربستان**. ترجمه نبی الله ابراهیمی. چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آیینه وند، صادق (۱۳۸۷). **اطلس تاریخ اسلام**. چاپ اول. تهران: انتشارات مدرسه.
- آشتی، نصرت الله (۱۳۸۰). **ساختار حکومت عربستان سعودی**. چاپ اول. تهران: وزارت خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بلومبرگ (۱۳۹۸). «**آخرین آمار فروش نفت ایران و کمترین تولید ۵ ماهه اوپک**». قابل بازیابی از :  
<http://www.bkisecurities.com/newsArchive/%D8%A2%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D9%86>
- سایت خبری العالم (۱۳۹۸). «**مقایسه قدرت نظامی ایران و عربستان ... کدام یک قوی تر است**». قابل بازیابی از:  
<http://www.fa.alalamtv.net/news/4442801>
- جعفری والدانی، اصغر (۱۳۸۹). «**نفت خلیج فارس و اقتصاد جهانی**». ششمین همایش ملی فرهنگی گردشگری خلیج فارس. تهران: مرکز گردشگری علمی فرهنگی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). **چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه**. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)**. چاپ اول، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- خادم، فاضله (۱۳۸۹). «**بازتاب بازی عربستان و ایالات متحده بر امنیت ملی ایران**». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. ۱۶. (۳): ۲۳-۴۹.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۲). «**عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه**». روابط خارجی. ۱۹(۲): ۵۶-۷۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. چاپ اول. تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). «**واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**». فصلنامه سیاست خارجی. ۲۵ (۲): ۱۲۳-۱۴۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. چاپ اول. تهران:

\_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ◊  
سمت.

- عزتی، عزت الله (۱۳۸۴). «تحولات ژئوپلیتیک قرن ۲۱ و جایگاه ایران در آن». دومین سینمار کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران. ۴ (۱۳): ۱۵-۳۵.

- ماهنامه علمی اکتشاف و تولید (۱۳۹۸). «بررسی واقع بینانه تولید نفت خام عربستان سعودی در افق ۲۰۲۰». قابل بازیابی از:

[http://ekteshaf.nioc.ir/browse.php?a\\_id=219&sid=1&slc\\_lang=fa&ftxt=0](http://ekteshaf.nioc.ir/browse.php?a_id=219&sid=1&slc_lang=fa&ftxt=0)

- عظیمی، رقیه السادات (۱۳۸۰). **عربستان سعودی**. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- فرامرزی، حسن (۱۳۹۸). «ایران به روایت ارقام: مقایسه ایران و عربستان». قابل بازیابی از:

<http://www.taajgeran.com>

- گریقتس، مارتین (۱۳۸۸). **دانش نامه روابط بین الملل و سیاست جهانی**. ترجمه علیرضا طیب. چاپ اول. تهران: نشر نی.

- گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). **جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم**. چاپ اول. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

- مدنی، امیر باقر (۱۳۸۳). **اپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت**. چاپ اول. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجایی.

- منفرد، سید قاسم (۱۳۸۸). «جایگاه عربستان سعودی در طرح خاورمیانه بزرگ». مرکز تحقیقات راهبردی. ۶(۲): ۶۱-۹۶.

- واعظی، محمود (۱۳۸۸). «رویکردهای سیاسی-امنیتی آمریکا در خاورمیانه». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۲۳ (۳): ۵۶-۸۷.

- واعظی، محمود (۱۳۹۶). «نقش قدرت های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش های هژمونی آمریکا». فصلنامه بین المللی روابط خارجی. ۲ (۶): ۳۲-۶۸.

- هینه بوش، ریمنوند، احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). **سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه**. ترجمه رحمان قهرمانپور و مرتضی مساج. چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Anthony. H, Cordsman (2016).” **Iran and the Persian – Gulf Military Balance**”. Center for Strategic in International

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰  
(Studies. 3(2

- Al- Rasheed, Madawi (2018). “ **Saudi Arabia: Local and –  
(Regional Challenges**”. Contemporary Arab Affairs. 11(3
- Blanchard, Christopher.M. ( 2015). " **Saudi-Arabia:  
(Background and U.S.A. Relations**". Security Studies. 2(1
- Cetinsaya, Gokhan (2017). " **Turkish-Iranian Relations –  
Since the Reovalution`s**”. Turkish Review of Middle East  
(Studies. 26(1
- Daniel, W. (2016). “ **Saudi Arabia Top Imports Exports**”.  
Journal of Security Studies. Vol: 10. No 3.
- Darwich, May (2017).” **The Ontological Insecurity of –  
Similarity Wahhabism Versus Islamism in Saudi Foreign  
(Policy**”. Institute of Middel East Studies. No. 263(1
- Geldenhuys, Deon (2016). “**The Idea Driven Foreign –  
Policy of a Regional Power: The Case of South Africa**” .  
<https://www.giga-hamburge.de>
- Hafeznia, mohammadreza (2013). **Plinciples and concepts –  
(of Geopolitics. Mashhad: PoPoli publication**
- Hafeznia, mohammadreza (2010). **power and national –  
(interests. Tehran: Entekhab Publication**
- Katzentein, Petery (1996). “ **Regional in Comparative –  
Prespective**”. AREN Working Papers. www.arena. Uio. No.  
(32156(1
- Lobell, Steve (2014). **Neo Classical Realism, the State –  
(and Foreign Policy. Combridge: Cambridge University Press**
- Mearsheimer, J. J. (1990). “**Back to the Future, –  
Instability in Europe After the Cold War**”. International  
(Security. 15(1
- Nye, J. S. (2004). **Soft power: The Means to Success in –  
(World Politics. New York Press**
- Pierce, Jonathan (2018). “**Oil and the House of Sand: –**

- \_\_\_\_\_ واکاوی الزامات رقابت سیاسی ایران و عربستان در کسب جایگاه قدرت منطقه‌ای ◇
- Analysis of Saudi Arabi an Oil Policy".** Digest of Middle East  
(Studies. 21(1
- Schweller, R.L. (1998). **Deadly Imbalances: Tripolality –  
and Hitler`s Strategy of World Conquest.** Newyork:  
.Colombia University Press
- Suofeng, Huang (1992). **Comperhensive National –  
Power Studies.** Chinese Academey of Social Press